

استو، هریت الیزابت (بیچر)، ۱۸۱۱-۱۸۹۶.

Stowe, Harriet Elizabeth (Beecher)

کلیهٔ عمومیت / تألیف هریت بیچر استو؛ ترجمهٔ منیر جزنی (مهران) - تهران: امیرکبیر، کتابهای جیبی، ۱۳۷۶.

۷۰۴ ص: ۱۷ X ۱۱ س.م.

ISBN 978-964-303-016-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

Uncle toni's cabin.

عنوان اصلی:

چاپ بیستم: ۱۳۹۲.

۱. داستان های آمریکایی - قرن ۱۹ م. الف. اصفیاء، منیر (جزنی)، مترجم، ب. عنوان.

۴۸۸ الف ۳ / ۸۱۳

PS ۱۱۵۴ / ۸

۱۳۷۶

۷۷-۲۱۳۴ م

کتابخانه ملی ایران

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۳-۰۱۶-۲



شرکت سهامی کتابهای جیبی

وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۴۹۱

کلیهٔ عمومیت

© حق چاپ: ۱۳۳۵، ۱۳۹۲، مؤسسه انتشارات امیرکبیر www.amirkabir.net

نوبت چاپ: بیستم

مؤلف: هریت بیچر استو

مترجم: منیر جزنی (مهران)

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: چاپخانه سپهر، تهران، خیابان بهارستان، شماره ۸۸

شمارگان: ۳۰۰۰

بها: ۱۰۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیرهٔ کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گروه در مستند نویسی و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

صفحه	عنوان
۹	مقدمه‌ای کوتاه بر چاپ هشتم
۱۳	مقدمه مترجم
۲۵	مردی که عواطف انسانی دارد (۱)
۳۹	مادر (۲)
۴۵	همسر و پدر (۳)
۵۳	شبی در کلبه عموئم (۴)
۶۵	کالای انسانی (۵)
۷۹	اکتشاف (۶)
۹۳	دلواپسیهای یک مادر (۷)
۱۱۳	صیادان انسانها (۸)
۱۳۵	آنجا که معلوم می‌شود (۹)
۱۵۹	تحويل کالا (۱۰)

۱۷۵	ژرد (۱۱)
۱۹۵	تجارتی که بموجب قانون مجاز است (۱۲)
۲۱۹	در خانه «کواکرها» (۱۳)
۲۳۳	اوانزلین (۱۴)
۲۴۷	ارباب تازه عموئم (۱۵)
۲۷۱	خانم ارباب و عقاید او (۱۶)
۲۹۹	یک مرد آزاد (۱۷)
۳۲۱	آزمایشها و عقاید میس افلیا (۱۸)
۳۴۵	باز هم درباره تجربه‌ها (۱۹)
۳۷۳	تپسی (۲۰)
۳۹۷	کنتاکی (۲۱)
۴۰۵	درخت می‌خسکد (۲۲)
۴۱۷	هنریک (۲۳)
۴۲۹	نشانه‌های شوم (۲۴)
۴۳۹	اوانزلیست کوچک (۲۵)
۴۴۷	مرگ (۲۶)
۴۶۷	در پایان هر آنچه دنیایی است (۲۷)
۴۷۹	وصال (۲۸)
۴۹۹	بی‌سرپرستها (۲۹)

۵۱۱	دکان برده‌فروشی (۳۰)
۵۲۷	سفر دریا (۳۱)
۵۳۷	جا‌های نازیک و غم‌انگیز (۳۲)
۵۵۱	کاسی (۳۳)
۵۶۳	سرگذشت زن دورگه (۳۴)
۵۷۹	گروگانهای محبت (۳۵)
۵۸۹	املین و کاسی (۳۶)
۵۹۹	آزادی (۳۷)
۶۰۹	پیروزی (۳۸)
۶۲۵	یک تدبیر (۳۹)
۶۴۱	شهید (۴۰)
۶۵۱	ارباب جوان (۴۱)
۶۶۱	داستان واقعی ارواح (۴۲)
۶۷۱	فرجام کارها (۴۳)
۶۸۱	آزادیبخش (۴۴)
۶۸۷	چند تذکر (۴۵)
۶۹۳	یادداشتی از مترجم

بسمه تعالی

مقدمه‌ای کوتاه بر چاپ هشتم

در این روزها که ترجمه فارسی کتاب کلبه عمو تم برای، هشتمین بار در طی یازده سال زیر چاپ می‌رود باز در امریکا از زیر خاکستر آرامش مصنوعی سیاهان جرقه‌هایی از عصیان و طغیان بیرون جهیده و چنان شعله‌هایی برانگیخته است که قسمتی از پرجمعیت‌ترین و صنعتی‌ترین شهرهای این کشور را به جهنم اشک و خشم و خون و آتش مبدل ساخته است.

نیرومندترین افراد ارتش امریکا که برای نبردهای سرسخت تربیت شده‌اند در داخله این کشور به‌راه افتاده‌اند و شورشهای دیترویت تنها پس از مداخله واحدهای لشکر ۸۲ چتر باز و لشکر ۱۰۵ هوایرد به‌ظاهر فرو نشسته است. اما عوامل و ریشه‌های عمیق انقلاب همچنان پابرجا و استوار است. نسبت بیکاری بین سیاه و سفید دو برابر است و تازه هنگامی که سیاهپوستی بر سرکار باشد درآمد خانواده او نصف خانواده مشابه سفیدپوست است. عدم امکان بهره‌مندی از تعلیم و تربیت

یکسان سبب شده است که سیاهان اکثریت عظیم بیسوادان امریکا را تشکیل دهند و در زندگی اجتماعی هم‌میدانی برای ترقی و پیشرفت به‌دست نیاورند. درست است که در سالهای اخیر قوانین مربوط به تساوی نژادی در کنگره امریکا به تصویب رسیده است و زمامداران امریکایی برای از بین بردن تبعیض کوشش می‌کنند، اما این قوانین اگر بتوانند سیاهان جنوب را که در شرایط سخت و نامساعدتری هستند برای دوره‌ای به‌ظاهر آرام کند، برای سیاهان شمال که به مرحله‌ی جدی‌تری از بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی رسیده‌اند کافی و قانع‌کننده نیستند. آنها که خود را «امریکایی‌های سیاه» می‌نامند و نه «سیاهان امریکایی» در جست‌وجوی به‌دست آوردن تساوی کامل با هم‌میهنان سفیدپوست هستند... از این روست که در هر فرصتی سیاهان خشمگین و به‌ستوه آمده از هر بهانه کوچکی استفاده می‌کنند و دست به شورش و کینه‌توزی می‌زنند. با این حال امریکا کشوریست که بیش از صد سال پیش به ندای آزادیخواهی سیاهان پاسخ داد و برده‌فروشی را لغو کرد... سالها بعد زمامداران امریکا در پایان جنگ جهانی دوم همگام با سایر متحدین خود به‌عنوان خونبهای میلیون‌ها افراد انسانی «اعلامیه جهانی حقوق بشر» را تدوین و اعلام کردند و از آن پس نیز همواره کم‌وبیش در راه رفع تبعیض نژادی تلاش کرده‌اند تا پایه‌های قانون مدنی تازه امریکا استوار شد....

پس اگر در چنین کشوری باز هم چنین ماجراها می‌گذرد دیگر نباید تعجب کنیم که چگونه هنوز مسأله تبعیض نژادی و سودای منور انسان‌فروشی در جهان رواج دارد و حکومت‌های سفید در قاره سیاه تبعیض نژادی را به‌سرم‌آورترین صورت ممکن اعمال می‌کنند و دلالتان سفید از برده‌های سیاه کاروانها ترتیب می‌دهند و آنها را از کشورهای آفریقایی صادر می‌کنند.

روزنامه اطلاعات در شماره ۱۷ مردادماه ۱۳۴۶ می‌نویسد: «اگر در گذشته پرتقالیها با قایقهای بزرگ خود به صید برده اشتغال داشتند امروز دلالتان آنها در

میان قبایل آفریقایی به فریب رؤسای قبیله اشتغال دارند
 ... در برخی از موارد درآمد برده‌فروشی بیش از درآمد نفتی کشورهاست.
 بهای یک دختر تازه بالغ ۷۰۰۰ تومان و بهای یک جوان سالم ۳۰۰۰ تومان
 است ... و اکنون دوازده میلیون برده در جهان وجود دارد.»

چنانکه از وقایع کنونی جهان برمی‌آید و شما خود شاهد زنده آنها هستید
 هنوز بردگان اسیر و یا سیاه‌پوستان آزادی وجود دارند که روزگارشان به سیاهی
 رنگ پوستشان است. آنها که سابقهٔ قرنی مبارزه پشت‌سر دارند همچنان به پیکار
 ادامه می‌دهند و آنها که در جنگال آریابان ستمگر اسیرند و هنوز به مرحلهٔ رشد
 عصیان نرسیده‌اند در برابر صریحه‌های ستم خاموش و تسلیمند ... و به روی هم
 چه بسا که هنوز بشریت پیشرفته و متوقی راه درازی در پیش داشته باشد تا
 چنان به اوج کمال برتر برسد که به حریم حقوق انسان تجاوز نکند، شیوهٔ تنگین
 و قبیح ستم انسان بر انسان را محکوم کند و از اندیشهٔ تبدیل گروهی از انسانها
 به ابزار حفظ سلطه و قدرت ثروت گروهی دیگر شرم کند و بر خود ببلرزد ...

مردادماه ۱۳۴۶

منیر جزنی

مقدمه مترجم

کلبهٔ عمو تم

کتاب کلبهٔ عمو تم اثر خانم «هریت بیچر استو» امریکایی که ترجمهٔ متن کامل آن به زبان فارسی در دست شماست، نخستین بار در سال ۱۸۵۲ انتشار یافت و از همان آغاز انتشار با استقبال پرشور مردم روبه‌رو گردید. به این معنی که در همان روزهای اول، چاپ نخستین آن نایاب شد و در طی یک سال، بیش از یک میلیون نسخهٔ آن به فروش رفت و ناشر که سرمایهٔ ناچیزی داشت و به نویسنده حق‌التألیف مختصری داده بود، بزودی صاحب سرمایهٔ هنگفتی شد.

این استقبال کم‌نظیر از «کلبهٔ عمو تم» منحصر به کشورهای امریکا نبود، بلکه در سراسر اروپا نیز خوانندگان بی‌شماری مشتاق آن شدند تا آنجا که کتاب به بیست‌وسه زبان ترجمه شد و در انگلستان، ناشری برای اینکه بتواند به تقاضای

به این ترتیب در نواحی گرم جنوب امریکا سیاه‌پوستان را سکنی دادند. این سیاه‌ها مدام در غم وطن از دست رفته بودند، اما مالکین و سودجویان مستعمره‌نشینی که آنها را خریداری کرده بودند هجدهم، به ضرب تازیانه و شلاق به انجام دشوارترین کارها وادارشان می‌کردند.

نزدیک اواخر قرن هجدهم امریکای شمالی که سالیان دراز تحت تسلط انگلستان بود، سرانجام علیه این استیلای ستمگرانه عصیان کرد و به سال ۱۷۷۶ با تشکیل اتحادیه‌ای مرکب از سیزده استان - که بعدها به تعداد آنها افزوده شد - کشور مستقلی به وجود آورد.

در جنوب، نخستین بنیانگذاران این اتحادیه از اشراف اصیل و از مالکین بزرگ و مردمی توانگرتر و عالیراز شمالیها بودند و زندگی پرتجمل و با تشریفاتی داشتند. نژاد آنها در اصل متکبر و مغرور بود و از راه وصلت و یا معاشرت با افراد سایر نژادها آمیزشی نداشتند، درست برعکس جنوب، در میان مردم شمال یک نوع برابری حکمفرمایی می‌کرد و ملاک اشرافیت آنها میزان لیاقت و استعدادشان بود و به علاوه شمالیها از تفوق و برتری جنوبیها در امور مشترک کشورهای متحده ناراضی و عصبانی بودند.

به این ترتیب میان دو نیمه این جمهوری نوپیدا - از حیث منافع و عادات و آداب - تناقض وجود داشت. کشورهای سردسیر شمال مانند کشورهای گرمسیر جنوب نخست برده داشتند؛ اما سیاه‌پوستان در مناطق سردسیر خیلی زود پژمرده و علیل می‌شدند و قدرت و نیروی کار را از دست می‌دادند، از سوی دیگر وجود آنها در این مناطق لازم نبود زیرا در آب و هوای شمال سفیدها خودشان می‌توانستند کار کنند.

پس سفیدها بزودی این برده‌های بی‌فایده و مزاحم را که نان خورهای تنبلی بودند از سرشان باز کردند و بعدها که دیگر به برده احتیاجی نداشتند، به این حقیقت

پی بردند که برده فروشی یک عمل خلاف اخلاق است و برای آبروی انسانی ننگین و موهن می باشد و تا به آنجا پیش رفتند که لغو برده فروشی را در استانهای جنوبی خواستار شدند، در حالی که برده فروشی در این استانها نه تنها کار مناسبی بود بلکه مالکین جنوب معتقد بودند که بدون برده کارشان پیش نمی رود.

این بود علی - یا اگر بخواهیم درست تر گفته باشیم، این بود نفی - که شمالیها را به مخالفت با برده فروشی واداشت، در صنعت و در بازرگانی شمال رقیب جنوب بود - شمالیها دیوانه وار تصور می کردند که هر چه سبب آبادانی جنوب است، از رونق و آبادانی شمال می کاهد. تصور می کردند که اگر به سیاهان آزادی داده شود، این افراد که بالطبع سست و کاهل هستند چون صبور و قانع هم می باشند و می توانند فقط با ذرت زندگی کنند، برهنه راه بروند و زیر آسمان بخوابند دیگر چندان کاری نخواهند کرد یا کارشان به اندازه ای کم می شود که مالکین توانگر جنوب ورشکست خواهند شد. با این حال باید یادآور شد که برخی از مبارزه کنندگان با برده فروشی جز عشق به آزادی افراد انسانی و امتناع از خوار شمردن یک دسته از موجودات بشری به عذر سیاه بودن پوست آنها، انگیزه دیگری نداشتند.

طبیعی است که در جنوب امریکا چنین طرز نگرش مطرود بود، زیرا در آنجا مسأله برده فروشی با سود و رفاه زندگی مادی ارتباط داشت. برای بزرگ و کوچک این سرزمین موضوع برده فروشی و حتی رواج هر چه بیشتر آن یک مسأله حیاتی محسوب می شد.

اما چگونه جنوب می توانست دست به ترویج و توسعه عملی بزند که شمال با تمام قدرت در محدودیت آن می کوشید؟ ایجاد یک هسته نفاق و دوستی میان اهالی دو نیمه این سرزمین، طبیعتیترین نتیجه این اختلاف نظر شدید بود. جالبتر از همه اینکه هر بار قسمتی از این سرزمین را از تصرف بیگانه خارج می کردند تا به استانی تبدیل شود و ضمیمه ایالات متحده گردد، آن وقت یک جنگ

می‌آموخت و بخصوص در این سالها بود که از نزدیک شاهد زندگی سیاهان بود. سه روزی و بینوایی آنها را به چشم می‌دید و شاهد ظلم و ستم و بیدادی بود که در باره‌شان روا می‌داشتند.

در سال ۱۸۳۵ با کشیشی دانشمند، اما فقیر از اهالی «سن‌سیناتی» به نام «استو» ازدواج کرد. زندگی زناشویی آنها در فقر و تنگدستی کامل آغاز شد به طوری که همهٔ جهیزیهٔ او که لوازم آشپزخانه‌اش بود، بیش از یازده دلار ارزش نداشت.

در سال ۱۸۴۹ در سن‌سیناتی بیماری وبا شایع شد و چارلی پسر هریت از این بیماری درگذشت. در طول این زمان هریت همواره زندگی فعالی داشت و در چندین روزنامهٔ بزرگ مقاله می‌نوشت.

در سال ۱۸۵۱ هنگامی که هفتمین فرزندش را به دنیا آورد در مجلات و روزنامه‌ها و کلیهٔ مطبوعات بحث و مبارزهٔ گرم و پرشوری مطرح بود و طرفداران آزادی برده‌ها با تمام قدرتشان برای روشن کردن افکار عمومی کوشش می‌کردند. در همین هنگام عده‌ای از دوستان هریت به او پیشنهاد کردند که دربارهٔ زندگی برده‌ها کتابی بنویسد. او که برای انجام این خواهش کمال آمادگی را در خودش احساس می‌کرد دست به کار شد و کتاب در ۱۵ ماه مه سال ۱۸۵۲ انتشار یافت.

خانم هریت یک زن چهل ساله و تقریباً گمنام بود که نگارش کتاب را آغاز کرد؛ اما پس از اینکه نخستین چاپ آن انتشار یافت، زن سرشناس و مشهوری گشت و چنان دامنهٔ این شهرت گسترش یافت که از هرسوی جهان تلگرافها و نامه‌های تبریک برایش ارسال می‌داشتند و سال بعد از انتشار کتاب کشورهای اروپایی از این نویسندهٔ مشهور و موفق دعوت کردند.

در انگلستان از خانم بیچر استو چنان استقبال گرمی به عمل آمد و آن

چنان عموم مردم از لردهای متنفذ و ثروتمند گرفته تا افراد عادی و عامی به استقبالش رفتند و مقدمش را گرمی داشتند که خستگی سالها زندگی پرزحمت و دشواریش تلافی شد. یک شاهزاده انگلیسی دستبندی طلایی به نویسنده کلبه عموتم هدیه کرد. این دستبند به شکل غل و زنجیر پای بردگان ساخته شده بود و تاریخ الغای برده فروشی را در انگلستان روی آن حک کرده بودند و بعدها خانم استو تاریخ الغای برده فروشی در امریکا را هم به آن افزود.

در فرانسه نیز از این نویسنده توانا تجلیل فراوان کردند و با وجود اینکه لباس ساده مهمان آنها محصور به یک پالتوی خاکستری و یک کلاه کوچک بود؛ اما احترام و تکریمی درباره اش مبدول داشتند که نظیر آن را درباره هیچ شاهزاده خانم مجللی انجام نداده بودند.

بعدها خانم استو چندین رساله در مباحث مختلف تألیف کرد و کتاب دیگری نیز درباره تجارت برده نوشت که البته هیچ کدام از آنها مانند کلبه عموتم شهرت جهانی نیافتند.

در این کتاب نویسنده علاوه بر آنکه تحت تأثیر زندگی غم انگیز و مذلتبار سیاهانی که به عنوان برده در مزارع ثروتمندان از پای درمی آیند، از حق آنها به آزادی دفاع می کند، در حقیقت از انقلابات دامنهداری هم که در اواخر نیمه اول قرن نوزدهم در بسیاری از کشورهای اروپا روی داد، الهام می گیرد تا آنجا که در بسیاری از موارد از خلال سطور کتاب روح عصیان نسبت به نظام نادرست اجتماعی کشور خودش و کشورهای اروپایی احساس می شود.

خانم هریت که زنی با عاطفه و اندیشیده و عمیق بوده است زمزمه های تازه ای را که در آن زمان گاه از میان طبقات محروم اجتماع به گوش می رسید، بخوبی می شنید و اصرار داشت که توجه مردم دیگر را هم به آن زمزمه ها معطوف سازد.

یکی از فرزندان خانم استو در جنگهای انفصال شرکت کرد و پس از کسب پیروزی‌های درخشان در میدان جنگ کشته شد و شوهرش نیز به سال ۱۸۹۴ درگذشت.

و اما نویسنده نامدار به سال ۱۸۹۶ در شهر ماساچوست چشم از جهان فرو بست. در حالی که هودجویان ستمگری را که حیات دهها هزار موجود انسانی را فدای منافع شخصی خود می‌کردند رسوا و مفتضح کرد و داغی را که آنها به برده‌های مظلوم می‌زدند به داغ ننگ تبدیل کرد و بر پیشانی خودشان زد و قلوب نجیب و شریف انسانهای عادل را علیه آنها به خشم و طغیان درآورد و نهضت دفاع از آزادی سیاهوستان را با جهشهای غول‌آسا به جلو راند، و در ضمن یک شاهکار ادبی جاویدان برجای گذارد.

منابعی که برای تدوین این مقدمه مورد استفاده قرار گرفته‌اند

- | | |
|---|------------|
| ترجمه فرانسه کلبه عمو تم: چاپ بنگاه نشریات «ورسو» | پاریس ۱۹۴۸ |
| ترجمه فرانسه کلبه عمو تم: چاپ کتابخانه «هانت» | پاریس ۱۹۵۱ |
| ترجمه روسی کلبه عمو تم: چاپ مسکو | ۱۹۵۶ |
| ترجمه ارمنی کلبه عمو تم: چاپ یروان | ۱۹۵۵ |

منیر مهران